



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

## The Role of the Prosecutor's Office in Preliminary Investigations, Proceedings and Sentence Execution in Iran and the USA

Hadi Karimi<sup>1</sup>, Mohsen Shekarchizadeh\*<sup>2</sup>, Mehdi Jalilian<sup>3</sup>

1. Ph.D Student of Criminal Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

**Pages: 241-254**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0001-8769-9798

**TELL:** +983142292929

**Email:** Mohsen.Shekarchi@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 02 Sep 2021

**Revised:** 08 Nov 2021

**Accepted:** 19 Dec 2021

**Published online:** 20 Feb 2022

**Keywords:**

*Prosecutor's Office,  
Crime Detection,  
Preliminary Investigation,  
Sentence Execution,  
Crime Prevention.*

### ABSTRACT

The role of the prosecutor's office in non-criminal prosecution is one of the important and challenging issues that require discussion and investigation. The purpose of this article is to examine the role of the prosecutor's office in Iranian law compared to American law. The present article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings indicate that in Iran, the criminal organization has a primary and fundamental role in the stages of crime detection and execution of criminal sentences and is responsible for crime detection and execution of criminal sentences, while in America, crime detection is the responsibility of the police and the prosecutor's office. It oversees compliance with the law in the detection of crimes. In Iran and America, prosecutorial interventions in preliminary investigations have been accepted in different ways. In America, the civil interventions of the prosecutor's office are aimed at carrying out the main tasks, i.e. criminal prosecution. In both legal systems, due to the imposition of numerous tasks outside of criminal prosecution on the prosecutor's office, this institution has faced difficulties in properly performing its main task, which is the management of criminal prosecution and for this reason, reducing the burden of tasks unrelated to the matter. Prosecution by the prosecutor's office is necessary.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Karimi, H; Shekarchizadeh, M & Jalilian, M (2022). "The Role of the Prosecutor's Office in Preliminary Investigations, Proceedings and Sentence Execution in Iran and the USA". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 241-254.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره اول، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۰

## نقش دادستانی در تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم در ایران و آمریکا

هادی کریمی<sup>۱</sup>، محسن شکرچی‌زاده<sup>۲\*</sup>، مهدی جلیلیان<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

### چکیده

نقش نهاد دادستانی از موضوعات مهم چالش‌برانگیز است که نیازمند بحث و بررسی به خصوص به صورت تطبیقی است. هدف مقاله حاضر بررسی این نقش نهاد دادستانی در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا است. مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در ایران، نهاد دادستانی در مراحل کشف جرم و اجرای احکام کیفری دارای نقش اولیه و اساسی است و مسؤول کشف جرم و اجرای احکام کیفری می‌باشد، در حالیکه در آمریکا کشف جرم تکلیف پلیس است و نهاد دادستانی ناظر بر رعایت قانون در کشف جرم است. در ایران و آمریکا مداخلات دادستانی در تحقیقات مقدماتی به طرف مختلفی پذیرفته شده است. نهاد دادستانی در ایران دارای تکالیف مهمی در حوزه پیشگیری از جرم است و دادستانی دارای تکالیف متعددی در حوزه احقاق حقوق عامه و پیگیری امور سرپرستی می‌باشد. در آمریکا مداخلات مدنی دادستانی در راستای انجام تکالیف اصلی، یعنی تعقیب کیفری می‌باشد. در هر دو نظام حقوقی به دلیل تحمیل تکالیف متعدد خارج از امر تعقیب کیفری بر نهاد دادستانی، این نهاد را در انجام مناسب تکلیف اصلی که همان مدیریت تعقیب کیفری است، با مشکل مواجه کرده است و به همین دلیل کاستن از بار تکالیف غیرمرتبط با امر تعقیب از نهاد دادستانی ضروری است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۴۱-۲۵۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۹۷۹۸-۹۷۶۹-۸۷۶۹-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۱۴۲۲۹۲۹۲۹

ایمیل: Mohsen.Shekarchi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

نهاد دادستانی، کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، اجرای حکم، پیشگیری از جرم.



## مقدمه

می‌شوند یا خیر؟ عدم انجام درست سایر تکالیف محوله به دادستان‌ها موجب می‌شود تا جایگاه این نهاد در ساختار سیاست جنایی یک کشور تنزل کند. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی موضوع پرداخته و بدین‌منظور از سه قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول به بررسی نقش و جایگاه نهاد دادستانی در غیر از تعقیب کیفری در ایران می‌پردازد و در قسمت دوم به بررسی نقش و جایگاه نهاد دادستانی در غیر از تعقیب کیفری در ایالات متحده آمریکا پرداخته می‌شود و در قسمت سوم به مقایسه این نقش و جایگاه در دو نظام حقوقی مورد مطالعه می‌پردازد.

### ۱- نقش نهاد دادستانی در تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم در ایران

نقش و جایگاه نهاد دادستانی در امری غیر از تعقیب کیفری را باید در دو عنوان مورد بررسی قرار داد. در ابتدا باید نقش نهاد دادستانی را در سایر مراحل کیفری، غیر از تعقیب مورد بررسی قرار داد و سپس به سایر نقش‌های دادستانی در امور غیرمرتبط با دادرسی کیفری اشاره کرد.

#### ۱-۱- نقش و جایگاه نهاد دادستانی در کشف جرم تحقیقات مقدماتی

نهاد دادستانی در ایران در تمامی مراحل دادرسی کیفری ایفای نقش می‌نماید. این ایفای نقش در مرحله دادرسی که در دادگاه صورت می‌گیرد از بقیه مراحل کم‌رنگ‌تر است، اما در سایر مراحل می‌توان گفت که بار دادرسی کیفری بر روی نهاد دادستانی و مجموعه دادرسی می‌باشد. این نقش را باید در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی کیفری و اجرای احکام کیفری به‌طور مجزا مورد بررسی قرار داد.

#### ۱-۱-۱- نقش نهاد دادستانی در کشف جرم

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اختیارات زیادی را به دادستان در زمینه کشف جرم داده است. سیاست جنایی ایران به‌نحوی است که در عمل مدیریت کشف جرم برعهده نهاد دادستانی است. درست است که وظیفه کشف جرم به‌طور هم‌زمان با پلیس نیز می‌باشد، اما پلیس فاقد اختیار مستقلی در این خصوص است و فقط ضابط دادگستری محسوب می‌شود و تمامی اقدامات پلیس در کشف جرم باید تحت نظر

هرچند نقش و جایگاه اصلی پیش‌بینی‌شده در سیاست جنایی برای نهاد دادستانی در هر نظام حقوقی ایران و آمریکا، تعقیب کیفری است، لیکن نباید تصور شود که نهاد دادستانی محدود به این نقش است. از یک طرف نهاد دادستانی در سایر مراحل دادرسی کیفری که شامل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای احکام کیفری می‌باشد، دارای نقش و جایگاهی در سیاست جنایی است و از طرف دیگر نهاد دادستانی تکالیف دیگری را برعهده دارد که مرتبط با دادرسی کیفری و مراحل آن نمی‌باشد. نقش و جایگاه نهاد دادستانی در این دسته از امور در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا تفاوت‌های زیادی دارد. در این مقاله نقش و جایگاه نهاد دادستانی در سیاست جنایی دو کشور ایران در مراحل دادرسی کیفری به‌جز تعقیب کیفری و همچنین سایر نقش‌های نهاد دادستانی در دو کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. واگذاری اختیارات متعدد به نهاد دادستانی در بسیاری از نظام‌های حقوقی امری رایج است و این حجم از اختیارات و تکالیف داده‌شده به نهاد دادستانی همیشه مورد نقد و انتقاد بوده است، زیرا که در عمل نهاد دادستانی در موارد زیادی توانایی انجام بهینه همه این تکالیف را ندارد. در مواردی حتی نقش‌های غیرتعقیبی نهاد دادستانی به حدی است که تکلیف اصلی این نهاد، یعنی تعقیب کیفری تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. میزان نقش‌های سپرده‌شده به نهاد دادستانی در ایران، به حدی زیاد است که به سادگی می‌توان گفت؛ نهاد دادستانی از عهده تمامی این تکالیف به‌خوبی برنمی‌آید و به‌عبارت دیگر بار سنگین تکالیف واگذارشده به نهاد دادستانی موجب می‌شود که برخی از این تکالیف به خوبی انجام نشود. از یک طرف نهاد دادستانی در ایران در تمامی مراحل دادرسی باید ایفای نقش کند و از طرف دیگر تکالیف متعددی به‌موجب قوانین مختلف برعهده نهاد دادستانی قرار داده است که ارتباط مستقیمی یا دادرسی کیفری ندارد. سؤال‌های مهم و اساسی که در این خصوص مطرح می‌شود، این است که آیا واگذاری نقش‌های غیرمرتبط با تعقیب به نهاد دادستانی، امری درست یا نادرست است و آیا این نقش‌ها، مانعی در جهت انجام تکلیف ذاتی تعقیب کیفری توس نهاد دادستانی محسوب

می‌گردد. نهادی که برای کشف جرم وظیفه قانونی می‌یابد باید اختیارات، ابزارها و قابلیت‌های لازم را داشته باشد تا بتواند جرایم را کشف کند، زیرا کشف جرم در اینجا یک تحقیق و بررسی اولیه را نیز دربر دارد. بین تحقیق اولیه و تحقیقات اصلی تفاوت وجود دارد. ضرورت بررسی اولیه برای شروع به تحقیقات اصلی در ماده ۱۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده است» (آقای جنت‌مکان، ۱۳۸۷: ۲۶۳-۲۴۵).

#### ۱-۱-۲- نقش نهاد دادستانی در تحقیقات مقدماتی

چنانچه در ایران کلیت نهاد دادستانی را در نظر داشته باشیم و بازپرس را نیز به‌عنوان یکی از اجزای این نهاد بدانیم که البته چنین نیز می‌باشد، وظیفه تحقیقات مقدماتی برعهده نهاد دادستانی است، اما اگر شخص دادستان را به‌عنوان مقام تعقیب و بازپرس را به‌عنوان مقام تحقیق در نظر بگیریم (عارفی، ۱۳۹۶: ۲۳).

در مجموعه تدابیر سیاست جنایی ایران، دادستان در تحقیقات مقدماتی به طرق ذیل ایفای نقش می‌نماید. بر اساس ماده ۷۳ اختیار نظارت بر بازپرس و ارائه تعلیمات لازم به وی به رسمیت شناخته شده است. این در حالی است که بازپرس مقام تحقیق است و باید بین دو ادعا تحقیق کند که کدام یک از ادعاها درست است. شناخت اختیار نظارت و ارائه تعلیمات برای دادستان از سویی مغایر معیار تساوی سلاح‌ها است، زیرا چنین اختیاری برای متهم شناسایی نشده و درست به‌نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر حاکی از تفوق علمی و اداری دادستان بر بازپرس است، درحالی‌که این موضوع نیز درست نیست، زیرا بازپرس مقام تحقیق است و باید هر دو طرف را در نظر بگیرد، ولی دادستان عموماً طرف دعوای عمومی است.

در ماده ۷۴ حق حضور در تحقیقات مقدماتی و نظارت بر آن برای دادستان به رسمیت شناخته شده است. این حق از سویی مغایر معیار تساوی سلاح‌ها است، زیرا وکیل متهم وکیل بزه‌دیده چنین حقی ندارند که بر بازپرس نظارت کنند. از سوی دیگر شناسایی حق نظارت برای دادستان باز هم موضع برتر وی در برابر بازپرس را تداعی می‌کند که این امر

نهاد دادستانی صورت پذیرد. عدم تفکیک کشف جرم از تعقیب کیفری در ایران و واگذاری هر دو تکلیف به نهاد دادستانی در تدابیر سیاست جنایی موجب تضعیف مرحله کشف جرم شده است و به همین دلیل واگذاری کشف جرم به یک نهاد مستقل غیر از دادستانی که متخصص در این امر باشد، پیشنهاد می‌گردد.

در واقع «لازم است کشف جرم به پلیس انتظامی اختصاص یابد، زیرا کشف جرم نخستین اقدامی است که بعد از وقوع جرم انجام می‌شود و پلیس انتظامی نیرویی است که کارکرد اصلی آن حفظ نظم و امنیت به‌صورت پیشگیرانه و قبل از وقوع جرم است و به‌جهت این‌که این نهاد، دغدغه امنیت و برقراری نظم دارد و درحقیقت به‌دلیل ماهیت وظایف خود می‌تواند کشف جرم را با دقت و انگیزه بالا انجام دهد، دلیل دیگر بر این‌که در الگوی مطلوب توصیه می‌شود نیروی انتظامی نهاد کاشف جرم باشد، این است که جرم پدیده‌ای است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها واقع می‌شود و این واقعیت ایجاب می‌کند که نهاد کشف جرم نیز در گستره‌های مکانی زمانی بیشتری حاضر باشد» (افراسیابی، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۰۳). «در این زمینه نیز نیروی انتظامی از یک جهت، ظرفیت ساختاری و مدیریتی متناسبی دارد که می‌تواند به موقع اقدامات اجرایی لازم در صحنه را با گستره زمانی - مکانی بالایی انجام دهد و از جهتی دیگر باتوجه به این‌که نیروی انتظامی از لحاظ مأموریتی در صحنه‌ها و چالش‌های اجتماعی حضور حداکثری دارد (همچون حضور در آشوب‌ها، مناطق نزاع، گشت‌زنی و ...)، احتمال وقوع جرم در منظر مأمور نیروی انتظامی بسیار بیش از نهادهای دیگر است» (شیدائیان و عبدالهی نیستانی، ۱۴۰۲: ۲۲۷). «مأموران انتظامی همیشه به‌خاطر انجام وظایف مراقبتی و حفاظتی و تأمین اولین کسانی هستند که با واقعه مجرمانه و شخص مرتکب جرم روبه‌رو می‌شوند و سریع‌تر از سایر مأموران قضایی صلاحیت‌دار به صحنه جرم می‌رسند؛ بنابراین سلب اختیارات کشف از آنان به‌قاعده حمایت جامعه در مقابل حمله مجرمان لطمه وارد می‌کند، خصوصاً در مواقع اغتشاش و آشوب اگر بنا شود آنان حق اقدام و حفظ دلایل و دستگیری مظنونین را از دست دهند، نظم عمومی قویاً دچار اختلال

۱۳۹۲ اعزام بازپرس به حوزه قضایی دیگر برای تحقیقات مقدماتی نیازمند موافقت دادستان است و ادبیات به کار برده شده در متن این ماده نوعی نظام ریاستی در دادسرا را به تصویر می کشد که در آن بازپرس زیر نظارت دادستان است و با موافقت او به مأموریت اعزام می شود؛ گویی بازپرس از جانب دادستان مأمور انجام تحقیقات در حوزه قضایی دیگر است و باید زیر نظارت دادستان آن حوزه تحقیقات را انجام دهد.

به نظر بهتر آن است که عملکرد اجرای تحقیق به پلیس قضایی واگذار شود. «بعد از کشف جرم و تصمیم به تعقیب جرم، تحقیقات دقیقی انجام می شود تا به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود: آیا جرمی واقع شده است؟ و این که مرتکب جرم چه کسی است؟ این تحقیقات جز از عهده نیروی کارآمد، آشنا به قانون، متخصص، متمرکز و فارغ از سایر مسؤولیتها و وظایف دیگر بر نمی آید. در نقش کشف جرم احتمال اشتباه در مواردی همچون اعلام جرم، ادله سازی برای متهم کردن اشخاص و افترای لفظی یا عملی متصور است و از این رو اقدامات بعد از اعلام جرم از سوی نهاد کشف جرم، به دادسرا موکول شده است. به علاوه، تحقیقات برخی جرایم همچون جرایم بدون بزه دیده مستقیم و جرایمی که موضوع شکایت بزه دیده یا اعلام جرم نیستند، اقداماتی تخصصی هستند که باید با دقت های ویژه خود انجام شوند. به این دلایل، نهادی که به صورت رسمی متولی تحقیق است، باید علم و دانش تخصصی بررسی صحنه جرم، نمونه برداری، گردآوری ادله اثبات دعوا، تحقیق از شهود و مطلعان را داشته باشد تا احتمال اشتباه در مرحله تحقیقات مقدماتی کاهش یابد. ادله ای که در مرحله تحقیق جرم گردآوری می شوند، تأثیر به سزایی در تصمیم قضایی دارند و کوچک ترین اشتباه می تواند به تصمیم گیری های اشتباه قضایی در مراحل آتی منتهی شود» (افراسیابی، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۰۳).

«کارکرد پلیس قضایی شامل کشف علمی جرم در قالب تحقیق مقدماتی، شناسایی و دستگیری متهمان است. پلیس قضایی مأمورانی هستند که تحت هدایت و نظارت مقامات قضایی در سازمان دادسرا قرار دارند و به عنوان یک نیروی آموزش دیده و دارای مهارت در مسائل قضایی کیفری، تأثیر

مغایر جایگاه دادستان و بازپرس در فرایند عدالت کیفری است، زیرا بازپرس بی طرف است و دادستان طرف دعوای عمومی. از این رو انتظار می رود که جایگاه بازپرس بالاتر از دادستان باشد، در حالی که مقررات مذکور صرف نظر از این که این انتظار را برآورده نکرده، در مسیر عکس گام برداشته و برای دادستان جایگاه بالاتر و غیرواقعی ترسیم کرده است.

در ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق حضور در تحقیقات مقدماتی و نظارت بر آن برای دادستان به رسمیت شناخته شده است. این حق از سویی مغایر معیار تساوی سلاحها است، زیرا وکیل متهم و وکیل بزه دیده چنین حقی ندارند که بر بازپرس نظارت کنند. از سوی دیگر شناسایی حق نظارت برای دادستان باز هم موضع برتر وی در برابر بازپرس را تداعی می کند که این امر مغایر جایگاه دادستان و بازپرس در فرایند عدالت کیفری است، زیرا بازپرس بی طرف است و دادستان طرف دعوای عمومی. از این رو انتظار می رود که جایگاه بازپرس بالاتر از دادستان باشد، در حالی که مقررات مذکور صرف نظر از این که این انتظار را برآورده نکرده، در مسیر عکس گام برداشته و برای دادستان جایگاه بالاتر و غیرواقعی ترسیم کرده است.

اختیارات مداخله دادستان در تحقیقات مقدماتی نیز قابل بحث است. براساس ماده ۵۰ فرد تحت نظر حق دارد توسط یک پزشک معاینه شود. در ماده ۵۱ مقرر شده که پزشک معاینه کننده توسط دادستان تعیین می شود. تفویض اختیار تعیین پزشک معاینه کننده به دادستان مغایر جایگاه وی در فرایند رسیدگی کیفری است و امکان نقض حقوق فرد تحت نظر و اعمال نفوذ را فراهم می کند، به ویژه در اتهامات مرتبط با جرایم امنیتی که فرد تحت نظر به شدت نیازمند حمایت است و دادستان به شدت طرفدار امنیت عمومی است. بهتر است پزشک معاینه کننده توسط بازپرس از فهرستی انتخاب شود که پیش تر تعیین شده است. تعیین پزشک معاینه کننده نخست، باید توسط بازپرس انجام شود و دوم، باید به ترتیب نوبت از فهرستی که از پیش تنظیم شده انتخاب شود تا امکان اعمال نفوذ به حداقل میزان ممکن کاهش یابد. مطابق ماده ۱۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری

### ۱-۳-۲- استرداد کیفرخواست

طبق ماده ۲۸۳ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در جرایم قابل گذشت اگر شاکی رضایت خود را اعلام نماید (خالقی، ۱۴۰۱: ۱-۳). یکی از نقش‌های مهمی که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای دادستان قائل شده است، این است که به رضایت شاکی حتی پس از صدور کیفرخواست توجه نموده و جهت رسیدن به یک دادرسی عادلانه و رعایت تمامی حقوق متهم، کیفرخواست خود را مسترد دارد.

### ۱-۳-۱- اصلاح کیفرخواست و تکمیل تحقیقات ناقص

ممکن است دادستان در تنظیم کیفرخواست مرتکب اشتباه شود، اصلاح آن از وظایف دادسرا می‌باشد. دادگاه در جریان رسیدگی ممکن است با تحقیقات ناقص روبه‌رو شود. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در همین راستا در ماده ۳۴۱ خود می‌گوید: «هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک‌ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد» (گلدوست جویباری، ۱۴۰۱: ۲۳۶-۲۱۱).

### ۱-۳-۱-۴ درخواست احاله دعوی کیفری

ماده ۴۱۸ از قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان و از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد. مطابق این ماده رییس حوزه قضایی در صورت موافقت شعبه اول

شگرفی در انعطاف و روان‌شدن روابط بین مقامات قضایی تحقیق و مجریان تحقیق دارند. این نوع پلیس به‌جهت اجرای تخصصی دستورها از سوی مقامات قضایی قابل اعتماد است. پلیس قضایی وظایف دادسرا را به خوبی درک نموده، با چالش‌های دادسرا از نزدیک و به‌صورت مستقیم مواجه است و در راستای اهداف تخصصی آن، با روحیه و انگیزه بیشتری کار می‌کند و ضمن مقیددانستن خود به انجام سریع و دقیق دستوره‌های قضایی به‌لحاظ این‌که خود را از خانواده جامعه قضایی می‌داند مطمئن خواهد بود که در صورت تمرکز انحصاری بر تحقق اهداف و تصمیمات قضایی ابلاغ شده به آن‌ها از حمایت‌های سازمانی مسؤولان و متولیان سازمان خود برخوردار خواهد بود» (رضائیان، ۱۳۸۰: ۴۵).

### ۱-۳-۱-۱ نقش نهاد دادستانی در مرحله رسیدگی کیفری

مرحله رسیدگی از مراحل مهم دادرسی کیفری است که در دادگاه صورت می‌پذیرد. شاید تصور اولیه بر این باشد که تکلیف نهاد دادستانی با صدور کیفرخواست و یا قرار نهایی خاتمه یافته است و دیگر در مرحله رسیدگی نقشی ندارد، اما این تصور اشتباه است و برای دادستان در مرحله رسیدگی کیفری نقش و جایگاه مشخصی در تدابیر سیاست جنایی ایران پیش‌بینی شده است که به شرح زیر بیان می‌شود.

### ۱-۳-۱-۱-۱ حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی

«برای رسیدگی ماهوی به جرایم جلسات دادگاه‌های کیفری باید با حضور دادستان تشکیل یابد، زیرا دادستان مدعی دعوی عمومی است و همین خصیصه ایجاب می‌کند که در دادگاه حاضر شود و از خواسته جامعه دفاع کند» (آخوندی، ۱۳۸۶: ۶۲).

حضور دادستان در جلسه دادرسی و اثبات ادعا و دفاع از کیفرخواست و ترافعی کردن واقعی دادرسی از مهم‌ترین جلوه‌های دادرسی عادلانه کیفری است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تفصیل بیشتری در مواد ۳۰۰، ۳۴۲ و ۳۵۹ قانون مزبور به ضرورت حضور دادستان در دادگاه اشاره نموده است.

دادگاه تجدید نظر و موافقت دیوان عالی اقدام خواهد نمود» (رحمدل، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

#### ۱-۳-۵- حمایت از ادله کیفری در دادرسی کیفری

منع جلوگیری از دلیل به نفع متهم نقش دادستانی در حمایت از ادله کیفری در دادرسی کیفری است. می‌توان به ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد. به موجب ماده ۹۳: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد. همچنین دادستان به‌عنوان یکی از مقامات قضایی نمی‌تواند دلایلی را که به نفع متهم به‌عنوان مستند دفاع در پرونده موجود است، از دسترس بازپرس یا قاضی دادگاه خارج کند.»

از طرفی دادستان ممکن است در مواردی با قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس مخالفت کند. همچنین دادستان در مواردی با قرار نهایی صادره از طرف بازپرس مخالفت می‌کند. بنابراین «دادسرا باید ضمن تعقیب کیفری بزهکار، محافظ و حامی منافع و حقوق و آزادی‌های او نیز می‌باشد و هر نکته و مسأله‌ای که ممکن است به نفع متهم باشد باید مورد توجه و عنایت دادسرا قرار گیرد» (آخوندی، ۱۳۸۶: ۵۴).

#### ۱-۳-۶- درخواست لغو تعلیق

هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آن‌ها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه در خواست نماید.

#### ۱-۳-۷- تقاضای تشدید یا تخفیف تأمین

«دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می‌تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود، پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه ارسال می‌شود و بازپرس طبق نظر دادگاه اقدام می‌کند.»

#### ۱-۳-۸- اعتراض به آرا و تجدید نظرخواهی

دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات حق درخواست تجدید نظر دارد. همچنین در حال حاضر ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد خلاف شرع بین اجازه دخالت دادستان را به‌نحوی داده است.

#### ۱-۳-۴- نقش نهاد دادستانی در اجرای احکام کیفری

اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و معاونت اجرای احکام کیفری تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عمومی عهده‌دار این وظیفه است، هرچند احکام کیفری براساس مقررات قانونی در معاونت اجرای احکام توسط قاضی اجرای احکام اجرا می‌شوند، دادستان بر معاونت اجرای احکام ریاست و نظارت دارد، یعنی ارتباطات دستوری بین معاونت مذکور و دادستان برقرار است. دادستان مسؤول اجرای احکام کیفری است و قاضی مجری حکم در واقع از طرف وی عمل می‌نماید (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها، تجمع مقام تعقیب و مقام اجرای حکم در دادستان است.

#### ۲- نقش نهاد دادستانی در تحقیقات مقدماتی و دادرسی در

##### آمریکا

در سطح کلان سیاست جنایی آمریکا، تکالیف مدیریتی مهمی برعهده نهاد دادستانی قرار گرفته است. این تکالیف حتی در مواردی که مرتبط با تعقیب کیفری هستند، از جنبه کلان مدیریتی بررسی و تحلیل می‌شوند.

تحوالات اخیر باعث شده است که سؤالاتی از دو جهت متناقض مطرح شود. از یک‌سو، افرادی که با تحولات چشم‌گیر اختیارات پلیس در چهل سال اخیر و با بازبودن دست پلیس برای بررسی و ارزیابی از وقایع ارتكابی آشنا هستند، استدلال می‌کنند که دادستان‌ها نیز باید مسؤولیت بیشتری در قبال نتایج رفتار خود برعهده بگیرند و پاسخگویی بیشتری را در قالب ارزیابی رفتارشان بپذیرند. پرونده‌های بزرگی که امروزه مشخصه نهاد دادستانی در آمریکاست، نیاز به رهبری اداری و همچنین مهارت قانونی همراه با

علیرغم شهرت دادستان‌ها در آمریکا به این‌که در برابر تغییر مقاومت نشان می‌دهند، دادستان‌ها امروزه به‌عنوان یک متخصص در امر خود شناخته می‌شوند و از آن‌ها خواسته می‌شود و یا گاهی اوقات توسط نیروهای سیاسی تحت فشار قرار می‌گیرند تا از این تخصص در زمینه‌های جدید استفاده کنند و راه‌هایی برای حل مشکلات و تحقق بهتر عدالت‌خواهی بیابند. در آمریکا دادستان‌ها این اختیار را دارند که به سادگی خط مشی جدیدی را اتخاذ نمایند، از ابزارهای مدیریتی یا تحقیقی جدید استفاده کند یا دامنه فعالیت خود را در حوزه جدیدی گسترش دهد. این تغییرات ظاهراً سطحی هستند، اما می‌توانند تأثیر زیادی بر کارایی، اثربخشی و تأثیر اجتماعی شیوه‌های تعقیب، به‌ویژه تأثیر بر امنیت و تکامل هنجارهای جامعه داشته باشند. دادستانی از یک طرف به استفاده از ابزارهای جدید و نقش رو به رشد علم و تکنولوژی توجه دارد و از طرف دیگر به دنبال گسترش دامنه عملکرد دادستانی از طریق ایجاد واحدهای تخصصی بوده است.

به‌عنوان شخصیت‌های عمومی منتخب، دادستان‌ها به‌طور بالقوه تأثیر زیادی بر اجرای عدالت در یک جامعه دارند. دادستان از دیدگاه منحصربه‌فردی برخوردار است که تنها بخشی از سیستم عدالت کیفری را نمایندگی می‌کند و بخش‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابراین واقعاً می‌تواند به استراتژی کنترل جرم فکر کند و به یک بخش از سیستم محدود نشود. بیشتر دادستان‌ها به‌ندرت خود را درگیر فعالیت‌های ضدجرم و حل مشکلات جامعه به جز محاکمه کردن پرونده‌ها می‌کنند (Ford & Regoli, 2014: 151).

مدیریت اختیار به این معناست که دادستان در ارتباط با حیطة صلاح‌دیدی خودش، می‌تواند تصمیم‌گیری نماید و این از اختیارات مدیریتی وی می‌باشد. اصلاحات عدالت کیفری در نیمه دوم قرن بیستم محدودیت‌هایی را بر اعمال قدرت اختیاری اعمال کرد که بر پلیس، دادگاه‌ها و مقامات اصلاحی تأثیر می‌گذارد. پلیس به‌دلیل موارد متعدد مربوط به حقوق متمم، در مورد این‌که چه کسی می‌تواند بازداشت شود، تحت چه شرایطی و چگونه باید دستگیر شود، محدود شد.

به‌کارگیری پیشرفت‌های علمی را دارد. فورست<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقد است که بسیاری از دادستان‌ها در یادگیری و به‌کارگیری اصول مدرن مدیریت و اقدامات مسؤلیت‌پذیری که به‌نظر می‌رسد با موقعیت قدرت و مسؤلیت عمومی آن‌ها تضمین شده است، کند بوده‌اند (Forst, 1999: 386).

هیأت منصفه بزرگ ابزار قدرتمندی است که در حدود نیمی از حوزه‌های قضایی ایالات متحده در اختیار دادستان‌ها قرار دارد. هیأت منصفه بزرگ متشکل از گروهی از شهروندان است که به شکایات و اتهامات مطرح‌شده توسط دادستان در پرونده‌های جنایی رسیدگی می‌کنند. بدون ابزارهای تحقیقاتی و سایر اختیارات برای دادستان، به نتیجه‌رساندن تحقیقات در این پرونده‌ها غیرممکن است.

سیاست جنایی ایالات متحده آمریکا به‌نحوی است که اختیار خاصی را به دادستان‌ها در اولویت‌بندی رسیدگی به جرایم داده است. به استثنای پیشرفت‌های فناوری و علمی اخیر، ابزارهایی که دادستان‌ها استفاده می‌کنند و شیوه اجرای تعقیب در ۳۰ سال گذشته اندکی تغییر کرده است. دادستان‌های منتخب باید یک چهارچوب مدیریتی در دفاتر خود ایجاد کنند که اجازه دهد این اولویت‌ها به شیوه‌ای، منظم و کارآمد پیش برود. در بسیاری از حوزه‌های قضایی، این امر مستلزم توانایی نظارت بر کارکنان تمام وقت از وکلای بی‌تجربه و جوان است. با این حال، آموزش حقوقی برای توسعه این مجموعه از مهارت‌ها طراحی نشده است. نظارت بر پرسنل، پشتیبانی آن‌ها و توسعه رویه‌ها برای هدایت تصمیمات و فعالیت‌های وکلا و کارکنان مهارت‌ها و ابزارهای مدیریتی را می‌گیرد. به‌طور سنتی، دادستان‌ها از هوش و خلاقیت خود نه برای مدیریت، بلکه برای رسیدگی به مسائل پیچیده حقوقی و عدالت استفاده می‌کردند؛ مسائلی که ممکن است با نگرش‌های رقیب جامعه و سیاست‌های محلی پیچیده‌تر شوند. این امر و مشارکت آن‌ها در فرهنگ حقوقی خصمانه ایالات متحده<sup>۲</sup>، آن‌ها را دائماً به سمت پرونده‌هایی سوق می‌دهد که از نظر هزینه و استراتژی‌های مدیریت، کارآمدتر باشند.

<sup>۱</sup>- Forst

<sup>۲</sup>- U.S. Adversarial Legal Culture



مدنی رسیدگی شود، معیارهای اثبات متفاوتی اعمال می‌شود. از نظر تاریخی، این پارادایم‌ها اصول حقوقی و حتی حرفه وکالت را در آمریکا شکل داده‌اند، به‌عنوان مثال، تخصص وکلا، تعریف قواعد رویه‌ای و تقسیم اختیارات بین دادگاه‌ها همگی از این تقسیم اصلی تبعیت می‌کنند.

**۲-۱- نقش نهاد دادستانی در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی**  
 نهاد دادستانی در آمریکا در مراحل کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادگاه نقش و جایگاه مهمی دارد و نباید تصور شود که دادستان فقط تکلیف مدیریت تعقیب کیفری را برعهده دارد.

**۲-۱-۱- نقش دادستان در کشف جرم**  
 عبارت «کشف» به‌معنای پیدا کردن، یافتن، شناسایی، تشخیص و آشکارسازی بیان شده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۱۶). در آمریکا وظیفه کشف جرم با پلیس است، اما این بدان معنا نیست که نهاد دادستانی در کشف جرم، هیچ دخالتی ندارد. می‌توان گفت که نهاد دادستانی در آمریکا در مدیریت و هدایت برنامه‌های کلی کشف جرم دارای نقش و جایگاه مهمی است.

**۲-۱-۲- نقش نهاد دادستانی در تحقیقات مقدماتی**  
 در کشورهایی که پلیس به‌صورت مستقل از مقام تعقیب عمومی اقدام می‌کند، دولت باید ابزارهای مؤثر را برای تضمین همکاری مناسب و کارکردی بین مقام تعقیب عمومی و پلیس فراهم کند. همچنین باید یک مکانیسم مؤثر برای تحقیق شکایات علیه پلیس وجود داشته باشد که به‌صورت مستقل از پلیس عمل کند. این مکانیسم می‌تواند تحت اقتدار مقام تعقیب عمومی یا در اختیار یک کمیسیون مستقل شکایات یا بازرس ویژه معین برای پلیس باشد (صالحی و افراسیابی، ۱۳۹۷: ۲۳۰-۱۹۱). در آمریکا دادستان ممکن است در مرحله تحقیق به دو صورت مهم نقش داشته باشد. او ممکن است در تحقیقات به پلیس کمک کند تا مطمئن شود که مدارک مورد نیاز برای محکومیت وجود دارد و بازرسان را به ابزارهای خاصی که در اختیار دارد، مانند هیأت منصفه یا درخواست از دادگاه برای صدور حکم بازرسی و نظارت الکترونیکی، مجهز نماید. همچنین ممکن است

تصمیمات تحت اصلاحیه‌های پنجم و ششم، محدودیت‌های قابل توجهی را نیز اعمال کردند. تغییرات مختلفی در عملکرد عدالت کیفری به‌دنبال این اصلاحات صورت گرفت. قضات هم در سطح فدرال و هم در برخی ایالت‌ها باید در برخی موارد به دستورالعمل‌های سختگیرانه تعیین مجازات که برای کاهش اختلاف در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مجازات ایجاد شده‌اند، پایبند باشند. هیأت‌های آزادی مشروط در بسیاری از حوزه‌های قضایی لغو شد و اساساً صلاحیت اصلاحی در مورد مدت مجازات حذف شد. انگیزه این تغییرات این بود که برای اطمینان از اثربخشی و عادلانه‌بودن فرآیندهای عدالت کیفری و ضمانت اجراها، نگرش صحیح و پاسخگویی بیشتر در سیستم عدالت کیفری مورد نیاز است. با این حال، قدرت اختیاری دادستان‌ها تقریباً توسط این اصلاحات قانون اساسی و سیاست قبلی دست‌نخورده باقی مانده است. در عین حال که اختیار بخش مهمی از بازیگران نظام عدالت کیفری به واسطه اصلاحات دچار تغییر اساسی شده است، اختیارات دادستان‌ها چندان دچار تغییر اساسی نشده است (Stith & Cabranes, 1998: 76). قاضی نمی‌تواند چنین تصمیمی را فقط با اختیارات خود آغاز کند و وکیل مدافع نیز نمی‌تواند تقاضای آن را مطرح کند، مگر این‌که دادستان آن را تقاضا کرده باشد (Vorenberg, 1981: 1521).

از نظر برخی از صاحب‌نظران، استفاده از قوانین مدنی توسط دادستان‌ها به‌عنوان راه حلی برای مبارزه با جرم و مشکلات ایجادشده توسط آن، تغییر بسیار اساسی در نحوه رسیدگی به پرونده‌ها است. قاضی بیرون وایت<sup>۱</sup> نسبت به کنار گذاشتن خط تقسیم روشن بین راه‌حل‌های مدنی و کیفری، از ترس این‌که این امر مشکلات جدیدی را در جایی که قبلاً وجود نداشته است ایجاد کند و ممکن است بسیاری از حوزه‌های مختلف قانون را «آلوده» کند، با احتیاط بسیار زیادی در این خصوص اظهار نظر کرد (Mann, 1992: 1795). در مرکز این دیدگاه این تصور وجود دارد که حقوق کیفری و مدنی دارای اهداف و قواعد آیین دادرسی متفاوتی هستند. هدف حقوق کیفری مجازات است و هدف حقوق مدنی جبران خسارت است. بسته به این‌که پرونده‌ای، در دادگاه کیفری یا

<sup>۱</sup> - Byron White

دادستان مسؤولیت قانونی بودن فعالیت‌های تحقیقاتی را برعهده بگیرد.

### ۲-۲-۲- نقش دادستانی در دادرسی کیفری

در این قسمت به بررسی نقش دادستانی در دادرسی کیفری پرداخته می‌شود.

#### ۲-۲-۱- نقش دادستانی در ارائه ادله به نفع متهم

اساسی‌ترین و سنتی‌ترین مسؤولیت دادستان در ایالات متحده دارای دو وجه بوده است که هر دو مملو از قضاوت‌های اخلاقی توسط دادستان است. اولاً، دادستان باید ببیند که «عدالت» در قبال کسانی که مرتکب رفتاری مذموم و غیرقانونی می‌شوند، اجرا می‌شود یا خیر؟ دوم، دادستان باید بین دستگیری و تعقیب، حکم مستقلی را صادر کند. هدف این است که هم، زمان و وقت محدود دادگاه‌ها و هم ظرفیت پایین زندان‌ها مدیریت شود و همچنین اطمینان حاصل شود که نه‌تنها مجازاتی که قاضی و هیأت منصفه تعیین می‌کنند، بلکه حتی بار محاکمه نیز به‌طور عادلانه و منصفانه بر دوش متهمان تحمیل شود (Wellford, 2001: 7). دادستان باید پرونده را در دادگاه ارائه کرده و بر سر اعترافات مجرمانه‌ای که می‌تواند نتیجه محتمل یک محاکمه را منعکس کند، بدون نیاز به هزینه‌های پیگرد قانونی و دفاع از یک محاکمه واقعی، چانه‌زنی کند. از نظر نقش، به‌طور سنتی از دادستان انتظار می‌رود که خود را چیزی فراتر از یک انتقام‌گیرنده و برقرارکننده نظم بداند. او باید نسبت به عدالت سیستمی که مجازات را اعمال می‌کند، نگرانی یکسانی داشته باشد و این امر توسط این قاعده نشان داده شده است که «از دادستان می‌خواهد که هر مدرکی را که در دست دارد و ممکن است در دادگاه به نفع متهم باشد را ارائه دهد»، زیرا دادستان در آمریکا دارای یک تکلیف عرفی است که ادله به نفع متهم را نیز باید ارائه دهد و حق کتمان آن‌ها را ندارد (Forst & Brosi, 1977: 191). در نتیجه تصور اولیه از دادستان مبنی بر این‌که به هر وسیله‌ای، برای محکومیت متهم متوسل می‌شود، کاملاً نادرست است.

### ۲-۲-۲- نقش دادستان در تعیین مجازات

تغییرات قابل توجهی در نهاد دادستانی در آمریکا رخ داده است، اما تعداد کمی از این تغییرات دیدگاه‌های سنتی موجود در مورد دادستان را زیر سؤال می‌برند. استفاده‌های جدیدی از فناوری در نهاد دادستانی وجود دارد. همچنین برای دادستان‌ها واحدهای تخصصی با هدف رسیدگی به برخی از رفتارهای نادرست ایجاد شده است که امروزه بسیار رایج شده است و بنابراین نیاز به توجه ویژه برای این واحدهای تخصصی برای پیشگیری از جرایم و مقابله با آن‌ها وجود دارد و این واحدها در اولویت قرار گرفته‌اند. همچنین استفاده فزاینده دادستان‌ها از انواع راه‌حل‌های مدنی مانند ضبط دارایی یا حکم تخلیه برای فروشندگان مواد مخدر رایج شده است (Gramckow & Tompkins, 2022: 84).

این نوآوری‌ها، تصور سنتی از دادستان را به چالش نکشیده است، بلکه خواسته‌های دیگری وجود دارد که این موضوع را جامعه آمریکا مطرح کرده است (McCoy, 2021: 457).

دولت برای مجازات‌دهی بابت جرایم ارتكابی، از قدرت و اختیار گسترده‌ای برخوردار است و این دادستان است که این قدرت را هدایت می‌کند (Boland, 2002: 336). قضات محاکم ایالتی با برخی محدودیت‌های قانون اساسی و محدودیت‌های قانونی راجع به فرایند دادرسی مواجه هستند. قوانین آیین دادرسی بسیاری از تصمیمات را پیش از صدور حکم هدایت می‌کند. در زمان انتخابات نیز قضات با نظارت‌هایی مواجه می‌شوند. آن‌ها در بسیاری از حوزه‌های قضایی به‌نحو انتخابی و در برخی حوزه‌ها توسط مقامات انتخابی منصوب می‌شوند (Wright, 2010: 806).

#### ۲-۲-۳- نقش دادستان در تجدید نظرخواهی از آرای صادره

یک قاعده مهم در اصلحیه پنجم قانون اساسی آمریکا مصوب ۱۷۹۱ در قالب این ادبیات قانونی قرار گرفت: «زندگی یا تمامیت جسمانی هیچ‌کس نباید به‌دلیل ارتكاب یک جرم دو بار در معرض خطر قرار گیرد.» «بسیاری از محققان هنگام بحث در مورد عدم اختیار دادستان در تجدیدنظرخواهی از رأی برائت متهم به این اصلحیه ارجاع می‌دهند» (Rizzoli, 2010: 81).

تصمیمی اتخاذ می‌نماید، باید به‌نظر دادستان برساند، مشخص و تعیین گردیده است.

در آمریکا قدرت‌های تحقیقی فراوانی برای نهاد دادستانی در آمریکا وجود دارد. در اکثر کشورهای رومی ژرمنی، اختیاراتی که به دادستان‌های ایالات متحده داده شده است، به‌طور سنتی بین اشخاص مختلف در سیستم قضایی تقسیم شده است و در اختیار شخص دادستان به‌تنهایی نمی‌باشد. به‌عنوان مثال، در اکثر کشورهای وابسته به نظام رومی ژرمنی، در صورتی که شواهد کافی باشد، پیگرد قانونی یک تکلیف است و دادستان باید تصمیمی را برای متهم کردن یک شخص به ارتکاب جرم را اتخاذ نماید، درحالی‌که در ایالات متحده، تصمیم به اتهام یا رد پرونده با امتناع از طرح اتهامات رسمی در اختیار دادستان است.

علاوه‌بر این، اکثر کشورهای قانون مدنی، از اعطای اختیارات تحقیقی که در ایالات متحده به دادستان‌ها داده شده است، خودداری می‌کنند. در آمریکا اختیارات تحقیقی گسترده‌ای، به دادستان‌ها داده شده است. اجازه خرید و فروش مواد مخدر و حتی ورود به یک باند فحشا به دادستان‌ها داده شده است. دادستان‌های آمریکا می‌توانند از خبرچین‌هایی که ممکن است خودشان مجرم باشند، در امر تحقیقات استفاده کنند. استفاده از نظارت الکترونیکی، ارائه مصونیت از تعقیب قضایی در ازای شهادت و اجباری شدن شهادت در مرحله تحقیق از طریق استفاده از هیأت منصفه بزرگ<sup>۱</sup> از اختیارات مهم تحقیقاتی دادستانی در آمریکاست.

### ۳-۱-۳- نقش دادستانی در رسیدگی کیفری

در ایران دادستان به‌عنوان یکی از اصحاب دعوی کیفری، مکلف است در جلسات رسیدگی حاضر بوده و دادگاه کیفری نیز مکلف است زمان رسیدگی را به دادستان ابلاغ نموده و از وی برای حضور در جلسات دادگاه دعوت به‌عمل آورد. عدم حضور دادستان، مانع رسیدگی نخواهد بود، اما عدم ابلاغ زمان جلسه دادگاه به دادستان و عدم دعوت از وی برای حضور در جلسه دادگاه می‌تواند موجب نقض دادنامه در مراجع عالی‌تر شود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با

### ۳- تطبیق نقش دادستانی در تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم در ایران و آمریکا

با مطالعه نقش نهاد دادستانی در اموری غیر از تعقیب کیفری در ایران و آمریکا، می‌توان به نتایج زیر دست یافت.

#### ۳-۱- تطبیق نقش و جایگاه نهاد دادستانی در مراحل دادرسی کیفری

هم در ایران و هم در آمریکا، نهاد دادستانی در مراحل دیگر دادرسی غیر از تعقیب کیفری دارای نقش می‌باشند.

#### ۳-۱-۱- نقش دادستانی در کشف جرم

در ایران اولین مرحله از یک دادرسی عادلانه کیفری کشف جرم می‌باشد. دادستان بایستی با کشف بیشترین جرم ممکن درصدد اجرای عدالت در فرآیند کلی دادرسی کیفری باشد (مه‌بادی، ۱۳۹۸: ۲۱). بیشترین لطمه به عدالت در دادرسی کیفری زمانی وارد می‌گردد که جرمی کشف نگردد و یا به عبارت دیگر رقم سیاه جرایم زیاد باشد.

در آمریکا نقش نهاد دادستانی در کشف جرم توسعه یافته است (Mammalian & et al, 1999: 214). دادستان‌ها می‌توانند حل مسأله کشف جرم را از طریق استفاده از سیستم‌های نوین به طرق مختلف پیش ببرند و در این خصوص دارای اختیارات وسیعی گردیده‌اند، اما در هر صورت وظیفه کشف جرم هنوز برعهده پلیس قرار دارد، درحالی‌که در ایران پلیس به‌طور کامل تحت تابعیت دادستان قرار دارد و فاقد اختیار مستقل می‌باشد و از این جهت اختیارات نهاد دادستانی در ایران در کشف جرم بیشتر از آمریکا می‌باشد.

#### ۳-۱-۲- نقش دادستانی در تحقیقات مقدماتی

در ایران اختیارات مداخله دادستان در تحقیقات مقدماتی قابل بحث است (صالحی و افراسیابی، ۱۳۹۷: ۲۱۵). نقش و جایگاه دادستان را باید در موارد تبعیت بازپرس از دادستان در قانون آیین دادرسی کیفری جستجو کرد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیرامون موارد دخالت دادستان در تصمیمات بازپرس صراحتاً اظهار نظر شده و آنجایی که دادستان می‌تواند در تصمیمات بازپرس دخالت نموده و پاره‌ای، از اقدامات را از بازپرس بخواهد و یا جایی که بازپرس

<sup>۱</sup> - Grand Jury

برداشتن الزام حضور دادستان در جلسات دادرسی در عمل، صدمه بزرگی به تحقق دادرسی عادلانه وارد نموده است.

### ۳-۱-۴- نهاد دادستانی و اجرای احکام کیفری

صرف نظر از دیدگاه‌های علمی که ایجاب می‌کنند اجرای احکام کیفری توسط قاضی مستقل اجرای احکام کیفری دارای تحصیلات کیفرشناسی انجام شود (بولک، ۱۳۸۷: ۱۹۲)؛ در راستای مباحث مطروحه می‌توان بیان داشت که برای رفع ایراد بی‌طرف نبودن مرجع اجرای احکام کیفری در نظام عدالت کیفری موجود، بهتر است وظیفه اجرای احکام کیفری برعهده ساختاری باشد که تحت مدیریت رییس حوزه قضایی اقدام می‌کند. همان‌گونه که بیان شد، مدیریت این ساختار برعهده رییس حوزه قضایی است و وظایف قضات اجرای احکام کیفری در قالب مقررات قانونی مشخص می‌شوند و لازم است رابطه رییس و مرئوس بین قضات اجرای احکام و رییس حوزه قضایی وجود نداشته باشد. به عبارت بهتر، وظایف هریک از اجزای ساختار اجرای احکام کیفری باید در مقررات قانونی مشخص باشند تا حقی از محکومان ضایع نشود و سلايق و دغدغه‌های شخصی یا فکری جایگزین اقدامات مطلوب نشود (صالحی و افراسیابی، ۱۳۹۷: ۲۲۱). در ایران مسؤولیت اجرای احکام کیفری با دادستان است، درحالی‌که در آمریکا نظارت کلی بر این امر با دادستان است.

### نتیجه‌گیری

نتایج بررسی تطبیقی نقش دادستانی در تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم در ایران و آمریکا نشان داد لازم است از دادستان در زمینه تحقیقات کیفری و نظارت بر تحقیقات کیفری و مقامات تحقیق سلب اختیار شود. براساس ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری، هدف فرایند عدالت کیفری تضمین حقوق بزه‌دیده، متهم و جامعه است. هریک از طرفین سه‌گانه جرم جایگاه خاصی در فرایند عدالت کیفری دارند و متناسب با این جایگاه باید اختیارات لازم را داشته باشند تا حقوق آن‌ها تضمین شود. جایگاه دادستان در فرایند عدالت کیفری دفاع از حقوق عمومی است و انتظار می‌رود اختیارات دادستان متناسب با این جایگاه باشد. در قانون آیین دادرسی

کیفری ۱۳۹۲ از سوی جایگاه طرف دعوی عمومی برای دادستان پیش‌بینی شده و وظیفه تعقیب جرم و اقامه دعوا از حیث عمومی به دادستان واگذار شده است. از سوی دیگر، برای دادستان جایگاه قضایی پیش‌بینی شده و وظایف انجام تحقیقات کیفری، نظارت بر بازپرس و ارائه تعلیمات به وی، نظارت بر تحقیقات مقدماتی و نظارت بر ضابطان دادگستری به دادستان محول شده است. تفویض اختیارات تحقیقاتی و نظارت بر تحقیقات مقدماتی به دادستان با جایگاه وی در دعوی عمومی متناسب نیست و به لحاظ علمی نمی‌توان تصور کرد که یک نهاد در عین حال وظایف دوگانه تعقیب جرم و تحقیقات کیفری را عهده‌دار باشد. از این رو ضروری است اختیارات تحقیقات کیفری و نظارت بر تحقیقات کیفری و مقامات تحقیق از دادستان سلب و به نهاد بی‌طرف بازپرس محول شود و بازپرسی از ساختار دادسرا خارج و به ساختار دادگاه وارد شود. پلیس قضایی در الگوی مطلوب ساختار دادرسی باید از پلیس اداری تفکیک شود، وظایف آن دقیقاً تعریف شده و از دانش و تکنولوژی روز برای تخصصی‌شدن پلیس قضایی استفاده شود. استقلال پلیس از دادسرا در کشف جرم، اختصاص عملکرد کشف جرم به پلیس انتظامی، اختصاص عملکرد کشف جرم به پلیس انتظامی، وابستگی دادسرا به پلیس در تحقیق، واگذاری عملکرد اجرای تحقیق به پلیس قضایی، استقلال دادسرا در تعقیب جرم، وابستگی پلیس به دادسرا در تعقیب، افقی‌شدن رابطه پلیس انتظامی و دادسرا، از الزامات الگوی مطلوب رابطه پلیس قضایی با دادسرا است. در راستای این بازنگری پیشنهاد می‌شود: ۱- با تشکیل پلیس تخصصی کشف جرم، تکلیف کشف جرم به طور کامل به این نهاد واگذار شود و دادستان از تکلیف کشف جرم رهایی یابد؛ ۲- بازپرس از مجموعه دادسرا (نهاد دادستانی) خارج شده و به‌عنوان یک مقام کاملاً مستقل مسؤولیت تحقیقات مقدماتی را برعهده گیرد؛ ۳- اجرای احکام کیفری از دادستان گرفته شده و یک نهاد اجرایی مستقل بدین‌منظور ایجاد شود؛ ۴- تکالیف واگذار شده به نهاد دادستانی در حوزه پیشگیری از جرم و امور سرپرستی و ... از دادستانی گرفته شده و به نهادهای دیگر موجود در این حوزه واگذار شده و یا این‌که نهادهای جدیدی برای اداره این امور ایجاد شود.

- رضائیان، علی (۱۳۸۰). *مبانی سازمان و مدیریت*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

- روح‌الامینی، محمود و امیری، سارا (۱۳۹۵). «بررسی اصول تئوری نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم». *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱(۷): ۱۰۹-۱۳۴.

- شیدائیان، زینب و عبدالهی نیستانی، علی (۱۴۰۲). *بازطراحی روابط پلیس و دادرسی و احیاء پلیس قضایی*. چاپ اول، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- صالحی، محمدخلیل، افراسیابی، علی (۱۳۹۷). «جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری ایران». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۷(۲۵): ۱۹۱-۲۳۰.

- عارفی، محمدشعیب (۱۳۹۶). *تحقیقات مقدماتی در نظام حقوق کیفری ایران*. چاپ اول، تهران: ندای کارآفرین.

- گلدوست جویباری، رجب (۱۴۰۱). «نقش دادستان در پیشگیری از وقوع جرم». *نشریه تحقیقات حقوقی*، ۱۷(۶۶): ۲۱۱-۲۳۶.

- مهابادی، علی اصغر (۱۳۹۸). *کشف علمی جرایم*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

#### ب. منابع انگلیسی

- Boland, B (2002). *Community prosecution tttt lddd's experience In Community Justice (An Emerging Field David Karp ed Boulder. Beja: Westview Press.*

- Ford, D.A and Regoli, M.J (2014). "The criminal prosecution of wife assaulters Process problems and effects in Legal Responses to Wife Assault". *Journal of Current Trends and Evaluation*, 15(127): 136-151.

- Forst, B & Brosi, K (1977). "A theoretical and empirical analysis of the prosecutor". *Journal of Legal Studies*, 5(23): 175-191.

- Forst, B (1999). *Prosecution and sentencing In Crime Joan Petersilia and James Q Wilson. Chicago: The University of Chicago Press.*

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ نهم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- افراسیابی، علی (۱۳۹۵). «بازتوزیع اختیارات نهادهای کشف و تحقیق جرم در نظام حقوقی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، ۱۸(۷۳): ۱۰۳-۱۳۴.

- آقای جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۷). «نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان بین‌المللی کیفری». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۵(۳۹): ۲۴۵-۲۶۳.

- بولک، برنار (۱۳۸۷). *کیفرشناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.

- حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۵). *فرهنگ معاصر هزاره*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- خالقی، علی (۱۴۰۱). «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قاعده اجرای فوری قوانین». *مجله راه وکالت*، ۱۳(۲۵): ۱-۳.

- رحمدل، منصور (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- Gramckow, H & Tompkins, E (2022). "Enabling Prosecutors to Address Drug Gang and Youth Violence". <http://www.ncjrs.org/html/ojjdp/jjbul9912-2/contents.html>
- Mammalian, C & LaVigne, N (1999). *The Use of Computerized Crime Mapping by law enforcement*. Washington: Publications Washington DC U.S Department of Justice.
- Mann, K (1992). Punitive Civil Sanctions The Middle Ground Between Criminal and Civil Law. *In The Yale Law Journal*, 53(101):179-187.
- McCoy, C (2021). *Prosecution. In The Handbook of Crime and Punishment Michael Tonry*. New York: Oxford University Press.
- Miller, M (2019). *Drug forfeiture's double edged sword An assessment of asset forfeiture programs In Drugs Crime and Justice Contemporary Perspectives L Gaines and P Kraska*. New York : Publications Prospect Heights
- Rizzolli, M (2010). "Why Public Prosecutors cannot Appeal Acquittals". *Journal of study e Note di Economia Anno XV*, 84(1): 64-81.
- Stith, K & Cabranes, J (1998). *Fear of Judging*. Chicago: University of Chicago Press.
- Vorenberg, J (1981). "What's Changing In Prosecution? Decent restraint of prosecutorial discretion". *Journal of Harvard Law Review*, 94(7): 1521-1573
- Warchol, G & Johnson, B (1996). "Guilty property A quantitative analysis of civil asset forfeiture". *American Journal of Criminal Justice*, 5( 21):61-81.
- Wellford, Ch (2001). *What's Changing in Prosecution Report of a Workshop National Research Council*. Washington: The National Academies Press.
- Wright, R (2010). *Public Defender Elections and Popular Control over Criminal Justice*. *Journal of Missouri Law Review*, 75(3): 791-806.